



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، صفحات ۳۰۴-۲۸۱

تجربه زیسته زنان از موانع و چالش‌های پیش‌روی نقش آفرینی در سیاست‌گذاری ایران

معصومه پیروسی

دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی واحد قم دانشگاه آزاد اسلامی

علی شیرخانی^۱

دانشیار علوم سیاسی واحد قم دانشگاه آزاد اسلامی

(تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۴)

چکیده

لازمه توسعه همه جانبه، حضور زنان و نقش آفرینی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل تجارب زیسته زنان از موانع و چالش‌های پیش‌روی نقش آفرینی در سیاست‌گذاری عمومی در کشور نگارش یافته است. روش تحقیق حاضر، کیفی - پدیدارشناختی بود و بدین منظور با ۳۳ زن شاغل در مناصب مختلف شهر قم با روش نمونه‌گیری هدفمند مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته‌ای انجام گرفت. تحلیل داده‌ها به ۴۴ مفهوم اولیه و ۱۲ مضمون محوری منجر شد. مضامین اصلی «کلیشه‌های جنسیتی»، «قرائت مردانگی از زنان»، «چالش‌های حقوقی/مدنی»، «مشاغل با برد محدود»، «ذائقه مردان»، «خشونت نمادین»، «چالش‌های حین و پسا منصبی»، «نحوه مشارکت»، «ناکارآمدی مضاعف سیاسی»، «تله فقر نهادی»، «مختصات روان‌شناختی» و «فقر نظری و تجربی» بودند که در نهایت می‌توان این مضامین را در سه محور کلان متن (ساختاری)، فرا متن (رفتاری) و زیر متن (فردی) نسبت داد.

واژگان کلیدی: زنان، نقش آفرینی، سیاست‌گذاری عمومی، مشارکت.

مقدمه

زنان به عنوان پیکره اصلی هر اجتماعی در طول تاریخ ایفاگر نقش‌های متعدد خانوادگی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی بوده‌اند اما در عرصه سیاسی و سیاستگذاری‌ها نقش چندانی بر عهده نداشته‌اند. در واقع زنان در عرصه مشاغل خدماتی (نظیر معلمی و پرستاری) در پهنه هرم و مشاغل و مناصب سیاسی و سیاستگذاری‌ها در راس قاعده قرار دارند. از سوی دیگر، با دگرذیسی جوامع و باز تعریف نقش‌ها در دوران مدرنیته موضوعات جدی‌تر تساوی مرد و زن، عدالت جنسیتی، زنان و توسعه، زنان و مدیریت و ... در محافل و کنوانسیون‌های محلی و بین‌المللی به طور جدی‌تری نضج گرفته و نقش‌های سیاسی و خاصه سیاستگذاری‌های عمومی پررنگ‌تر شده‌اند. سیاستگذاری عمومی^۲ ناظر بر مجموع فعالیت‌های حکومت‌ها خواه به شکل مستقیم یا به وسیله عاملین و ذینفعان مختلف است که زندگی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Fischer, 2019) یا فرایند جهت‌دار اتخاذ زنجیره‌ای از تصمیمات برای اقدام یا عدم اقدام از سوی حاکمیت است (بهلولی، ۱۳۹۷). طی چند دهه گذشته جامعه زنان تحولاتی را از سر گذرانده است. با افزایش آگاهی و گسترش آموزش عالی، آنان توانمندی‌های خود را ارتقا داده‌اند و دیگر نمی‌توان زنان را در حاشیه مناسبات سیاسی - اجتماعی نگه داشت (رضوی الهاشم، ۱۳۸۷). از دیگر سو، در اسناد بین‌المللی بر نقش زنان در توسعه جوامع تأکید شده است. در سند اهداف توسعه هزاره و اخیراً در اهداف توسعه پایدار (بند ۱۶)) بر شکوفایی و حکمرانی خوب و نهادهای کارآمد و در دستور کار ۳۲۰۳۰ جهت تحقق توسعه پایدار بر تقویت نمایندگی، قابلیت‌ها و مشارکت زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری تأکید شده است (Dugarova, 2019). زنان می‌توانند در تصمیمات و سیاستگذاری‌های مهم از طریق کنش جمعی و مشارکت در جنبش‌های اجتماعی و انجمن‌های مدنی به طرق مختلف پارلمانی اثرگذار باشند (Domingo, 2015). مشارکت زنان در فرایندهای سیاستگذاری عمومی همچنین برای ایجاد جوامع قدرتمند و شکل دادن به سیاستگذاری‌ها که منعکس کننده بهتر نیازهای خانواده‌ها و اجتماعات آنها باشد، ضروری است (Jones, 2005). زنان در عرصه سیاستگذاری‌های عمومی نسبت به مردان بیشتر تمایل دارند موضوعاتی مانند آموزش، بهداشت، مراقبت از کودک، مرخصی والدین، دسترسی به اشتغال و حقوق بازنشستگی را که در تقویت سرمایه انسانی و بهبود سطح زندگی مهم است، در اولویت قرار دهند (Mitra & Etal, 2015; women UN, 2018). شواهد نشان می‌دهند کشورهایی که

2 - Public Policy Making

3 - 2030 Agenda

مشارکت و رهبری فعال زنان در سیاست و جامعه مدنی دارند، فراگیرتر، پاسخگوتر، مساوی طلب و دموکراتیک‌تر هستند (Tamaru & Reilly, 2018; UNDP, 2016; OECD, 2014). بنابر تحقیقات وقتی حداقل یک چهارم اعضای پارلمان زن باشند، قوانینی که قائل به تبعیض علیه زنان هستند، مانند مواردی که زنان را از داشتن سرپرست خانوار محدود می‌کند، احتمالاً لغو می‌شوند (Hallward-Driemeier & Etal, 2013). همچنین تحلیل تحقیقات در ۳۹ کشور نشان داد حضور بالاتر زنان در قوه مقننه به ادراک مثبت‌تر از مشروعیت دولت در بین زنان و مردان مرتبط است (Schwindt-Bayer & Mishler, 2005). هنگامی که زنان در حکمرانی شرکت می‌کنند، فرصتی فراهم می‌شود تا نیازهای خاص زنان را لحاظ نمایند چرا که دیدگاه‌های مردان نسبت به زنان نیازهای آنان را به خوبی منعکس نمی‌کند؛ لذا حضور زنان در سیاستگذاری‌ها علاوه بر افزایش کیفیت حکمرانی باعث می‌شود سطح فساد نیز کاهش یابد (Stevens, 2016; UNDP, 2007). در کشورمان اگرچه بنابر آموزه‌های دینی و قانونی بر نقش مهم زنان در جامعه اسلامی تأکید شده است اما هنوز زنان در موقعیت‌های مهم و تصمیم ساز در حاشیه یا در رده‌های بسیار پایین قرار دارند. برای نمونه حضور زنان در مجلس شورای اسلامی در سه دوره اخیر یعنی هشتم، نهم و دهم به ترتیب ۸، ۹ و ۱۷ نفر بوده است (تابناک، ۱۳۹۵). اگرچه نسبت به ادوار گذشته رشد مشاهده می‌شود اما در کل کمتر از ۵ درصد بوده است. در حالی که در برخی کشورها برای نمونه سوئد (۰/۴۷)، فنلاند (۰/۴۲)، دانمارک (۰/۳۷) و حتی در کشورهای کم‌تر توسعه یافته نظیر کارستاریکا (۰/۳۹) و رواندا (۰/۴۹) درصد اعضای پارلمان‌های تصمیم‌ساز را زنان تشکیل می‌دهند (WEDO, 2008) یا در سطح وزارتخانه‌های مختلف زنان فاقد وزیر هستند. همچنین در حوزه‌های حقوقی - قضایی، اجتماعی و فرهنگی نیز به ندرت می‌توان زنان را در مناصب تصمیم‌ساز و مهم مشاهده کرد. برای شناخت دلایل و علل حضور ناچیز زنان در عرصه سیاستگذاری عمومی ضرورت مطالعه از دیدگاه خود زنان اهمیت بسیار بالایی دارد. زیرا می‌تواند به شناسایی و تحلیل عمیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر موضوع منجر شود. از سوی دیگر، مطالعات این حوزه عمدتاً معطوف به تحقیقات کمی بوده و هنوز پژوهش‌هایی جامع و عمیقی که موضوع را از نگاه تجارب زنان مطالعه کرده باشد یک خلاء پژوهشی بشمار می‌رود. شیوه تحقیق پدیدارشناسی می‌تواند این تجارب را که از آن به عنوان تجارب زیسته یاد می‌شود به شیوه‌ای منسجم و علمی در اختیار ما قرار دهد. با عنایت به مطالب ذکر شده، هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل تجارب زیسته زنان از موانع و چالش‌های نقش آفرینی در سیاستگذاری‌های عمومی است. همچنین سوال پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود: دلایل و موانع نقش آفرینی زنان در عرصه سیاستگذاری عمومی کدامند؟

پیشینه موضوع

بابایی (۱۳۹۷) در پژوهشی نتیجه گرفته که در ایران به عنوان یک جامعه مذهبی و سنتی که همواره با مقاومت‌هایی در برابر عناصر دنیای مدرن مواجه بوده است؛ تأثیر باورها و کلیشه‌ها علیه زنان بسیار زیاد و موانع اجتماعی و فرهنگی بیش از عوامل فردی و سازمانی بر جلوگیری از ارتقاء و پیشرفت زنان تأثیرگذارند. رفعت جاه (۱۳۹۷) بیان کرده است که مقوله شغل در ایران هنوز در ذهن جامعه ایرانی به شغل زنانه و شغل مردانه تقسیم می‌شود. با این وجود روند کلی نشان می‌دهد کلیشه‌های جنسیتی در ایران در حال کمرنگ‌تر شدن است. محمدی (۱۳۹۶) در خصوص عوامل فرهنگی مؤثر در توسعه ایران نشان داد اکثریت ایرانی‌ها معتقدند نهایتاً جای زن در خانه است و بر این باورند که مدیریت امور را نمی‌توان به دست زنها سپرد و چون احساساتی هستند، روی قضاوتشان نمی‌توان حساب کرد چنین پیش فرض‌های سنتی و بسیار عقب مانده، بستری بس دشوار برای زنان حتی در زندگی روزمره و عادی ایجاد می‌کند چه رسد به اینکه بتوانند در عرصه‌های مدیریتی و سیاستگذاری‌ها ایفای نقش جدی داشته باشند. فیضی و معتضد کیوانی (۱۳۹۵) در پژوهشی در مقایسه وضعیت زنان در امورات سیاسی ایران و عربستان نتیجه گرفتند مجموعه‌ای از عوامل مانند تقدم و تأخر ورود به مدرنیته، تفاوت مبانی متدولوژی مذهبی و نوع قرائت از دین باعث شده است که جایگاه سیاسی - اجتماعی زنان در ایران نسبت به عربستان بهتر باشد. صداقت و زاهد (۱۳۹۴) نتیجه گرفتند نظام‌های آموزشی و تربیتی ایران به شیوه‌های متفاوت نابرابری‌های جنسیتی را باز تولید می‌کنند. لذا، طبیعی است با وجود چنین سیستم آموزشی تربیت زنان مدیر، با جسارت و خلاق امری دور از ذهن باشد. صابر (۱۳۹۴) در پژوهشی نتیجه گرفت در بستری که به دلایل مختلف، روابط اجتماعی دوستانه با همکاران و دوستان غیرخویشاوند و غیر همجنس مورد تقبیح قرار می‌گیرد و این موجب تضعیف امکان دستیابی زنان به بسیاری از موقعیت‌ها و فرصت‌ها در عرصه مدیریت می‌گردد. کلی (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی موانع مشارکت زنان در نیجریه پرداخته است و نتیجه گرفت فقدان حمایت مؤثر حکومت از زنان، سطح پایین تحصیلات، نگرش‌های جنسیتی، سیستم اداری فساد آمیز و خشونت علیه زنان به خصوص زمان کاندیداتوری به عنوان مهم‌ترین عوامل بازدارنده مشارکت زنان در امورات مختلف هستند. الکانی (۲۰۱۹) در پژوهشی نتیجه گرفت مانع غیر قابل نفوذی که از ارتقای زنان جلوگیری به عمل می‌آورد سقف شیشه‌ای است در اثر وجود این مانع، زنان از صعود به سطوح بالای مدیریت منع می‌شوند. سقف شیشه‌ای ممکن است در هر سطحی از هرم سازمانی عمل کند و مانع حضور زنان در رده‌های مدیریتی عملیاتی، میانی و یا عالی شود. سازمان بین‌المللی کار (۲۰۱۹) در پژوهشی نشان داد برخی قوانین منشأ تبعیض قانونی دارند و

این امر، خودبخود جایگاه زنان را در جامعه و بویژه در عرصه رشد و ترقی و ایفای نقش به عنوان یک مدیر و یک رهبر کسب و کار ضعیف کرده است. چوما (۲۰۱۹) در پژوهشی نتیجه گرفت زنان به دلایل زیادی که عمدتاً ریشه در سنت‌های مذهبی و اجتماعی دارد، از سطوح مدیریتی باز می‌مانند و همچنان در دوره‌های اخیر، مقاومت‌های مردانه در برابر رشد زنان در سطوح مدیریتی بسیار جدی است. مکینسی (۲۰۱۸) نتیجه گرفت هنوز محیط‌های کاری بویژه در کشورهای در حال توسعه مملو از تبعیض نسبت به زنان است و به طور گسترده از حضور زنان در رسیدن به سطوح بالای قدرت و اثرگذاری در سازمان‌ها به انواع مختلف جلوگیری و مقاومت می‌شود. آبرکومبیا (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان باورهای نادرست ذهنی و کلیشه‌های سنتی در حیطه مدیریت سیاسی زنان نشان داد، در عین پیشرفت نسبی تکنولوژیک هنوز فرهنگ سنتی و کلیشه‌های سنتی مربوط به آن بر ساختار ذهنی جامعه حکمرانی می‌کند که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن نگرش سنتی نسبت به زن و نقش آن در اجتماع و عرصه عمومی است. ساندور (۲۰۱۷) در پژوهشی نتیجه گرفت مهم‌ترین موانع پیش‌روی زنان در ابتدای راه موانع درونی از جمله ترس از شکست، کمبود جسارت، کمبود حمایت، حمایت معنوی و نبود الگوی مناسب هستند. لائورا و سانچز (۲۰۱۷) در پژوهشی در جوامع در حال توسعه کره جنوبی، اندونزی، فیلیپین و تایوان نتیجه گرفتند زنان شاغل به طور همزمان مجموعه‌ای از انتظارات مختلف را شکل می‌دهند و هویت‌های شغلی زنان اغلب تحت‌الشعاع نقش‌های خانوادگی آنها است در نتیجه، تضاد میان نقش خانوادگی و شغلی پدیدار می‌شود و این تضادها برای زنانی که در سطوح ارشد مدیریتی هستند یا صاحب یک کسب و کار هستند به مراتب تشدید می‌گردد. کساسا (۲۰۱۵) نیز نتیجه گرفته است که ایده مشارکت برابر زنان در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها صرف تقاضای عدالت یا دموکراسی ساده نیست؛ بلکه شرط لازم برای لحاظ کردن منافع زنان در امورات مختلف است.

چارچوب مفهومی

در چارچوب نظریات جامعه‌شناختی، زنان به طور سنتی در مشاغل کم درآمد و یکنواخت تجمع یافته‌اند. بسیاری از این مشاغل‌ها به شدت جنسیتی هستند یعنی عموماً کار زنانه تلقی می‌شوند. تفکیک جنسیتی مشاغل به این واقعیت اشاره دارد که مردان و زنان در انواع مختلف مشاغل‌ها که مبتنی بر برداشت‌های رایج درباره مشاغل‌های برانزده مردان و زنان است تجمع یافته‌اند (گیدنز، ۱۳۸۹). بر این اساس می‌توان گفت باور به تفکیک شغلی به ایجاد مناصب شغلی پایین و با اهمیت کمتر برای زنان و مشاغل سیاستگذاری و تصمیم‌ساز برای مردان امری طبیعی

است. نظریه منابع، امکانات مالی و توانمندی‌های زنان را نقطه مهم در مشارکت سیاسی می‌داند. این نظریه تأکید می‌کند از آنجا که بین زنان و مردان در دستیابی به منابع تفاوت‌های فاحشی وجود دارد آنان از صف رقابت با هم‌تایان مرد خود ناتوان می‌مانند (نیکوکار و همکاران، ۱۳۹۲). نظریه بسیج نیز می‌افزاید نقش احزاب در مشارکت سیاسی بسیار مهم است و مشارکت را به عنوان تجلی ساختار سیاسی می‌داند نه حاصل ساختار فردی؛ لذا میزان و کیفیت مشارکت زنان به ساختار سیاسی بستگی دارد (چابکی، ۱۳۸۱). دیدگاه ساختی نیز تأکید می‌کند زنان در بزرگسالی موانع ساختی را در تمایل خود به فعالیت سیاسی تجربه می‌کنند. تفاوت‌های جنسی در امور سیاسی در دوره کودکی بروز نمی‌کند، بلکه تفاوت وقتی ظاهر می‌شود که تحول بنیادی در نقش خانوادگی زنان شکل گیرد. دیدگاه کارکردی نیز زنان را به امور خانوادگی محدود دانسته و بر این باور است که واگذاری نقش اقتصادی و سیاسی به زنان سبب تخریب کارکردهای کنونی جامعه می‌شود. به زعم پارسنز، زنان در خانواده نقش عاطفی ایفا می‌کنند و از آنجا که آزادی زنان از خانواده به آشفتگی جامعه منجر می‌شود، موضوع شغل آنها کارکردی ندارند (رضوی الهاشم، ۱۳۸۷). نظریه پردازان فمینیستی نیز معتقد هستند چون زنان یک گروه همگن هستند دارای تجربیات منحصر به فردی هستند که متفاوت از نگاه مردان است لذا زنان نیازمند حضور واقعی در پارلمان‌ها برای تأثیرگذاری بر سیاستگذاری در پیشبرد اهداف خود هستند. همچنین به باور این رویکرد علایق زنان نیز با مردان متفاوت است و این نیازمند نگاه ویژه به زنان با حضور مؤثر در سیاستگذاری‌های مهم است (Ilesanmi, 2018). نظریه پردازان فمینیست تأکید می‌کنند ایفای نقش زنان و گماردن مناصب حساس بدان‌ها باعث افزایش درگیری و تماس زنان در سیاستگذاری‌ها خواهد شد و حضور برابر نمایندگی‌ها در پارلمان به دموکراتیک‌تر شدن حکمرانی و پویایی در سطوح ملی و بین‌المللی می‌شود و این امر می‌تواند نتایج مطلوب‌تری در عرصه سیاسی به همراه داشته باشد (Campbell & Wolbrecht, 2006). زنان در عرصه‌هایی که حضور داشته‌اند، بخوبی از عهده وظایف محوله برآمده‌اند و لذا دلیلی وجود ندارد که مانع از حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماع شد و آنان را به دلایل واهی از حضور در مدیریت‌های کلان و حوزه سیاستگذاری محروم ساخت (Ahmad & etal, 2019).

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر، پدیدارشناختی از نوع توصیفی است. پدیدارشناختی روشی است که می‌کوشد به جهان ذهنی افراد ورود و تجارب آنان را تصویر بکشاند (Qutoshi, 2018). وقتی

مسئله تحقیق مستلزم فهم عمیقی از تجارب زیسته^۴ گروهی از افراد است؛ آنگاه بکار بردن روش پدیدارشناختی بسیار راه‌گشاست (کراسول، ۲۰۱۳). روش‌های متفاوتی جهت طراحی و اجرای تحقیق پدیدارشناختی ارائه شده است. یکی از این روش‌ها روش کولایزی^۵ است. وی هفت گام زیر را به محققان توصیه می‌کند: ۱- خوانش تمام توصیف‌ها به منظور درک کلی آن؛ ۲- استخراج نکات کلیدی؛ ۳- طبقه‌بندی معانی مهم؛ ۴- سازمانی‌دهی معانی در قالب خوشه‌ها؛ ۵- توصیف مفصل از پدیده؛ ۶- توصیف کامل از پدیده با عبارت زیباشناختی و ۷- اعتباریابی نهایی یافته‌ها (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۸۱-۲۸۰). این مراحل در تحلیل و طبقه‌بندی یافته‌ها مطمح نظر بودند. ابتدا تمام متون مصاحبه‌ها جهت دریافت درکی کلی خوانده شدند و نکات مهم و کلیدی استخراج شدند و سپس نکات مهم طبقه‌بندی شدند. در گام بعدی مضامین اصلی شکل گرفتند و در گام پنجم مضامین شگل گرفته مورد واریسی نهایی قرار گرفتند و در گام هفتم به وسیله اساتید و صاحب نظران اعتبار آن لحاظ شد. مشارکت کنندگان در پژوهش حاضر که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند شامل ۳۳ زن ساکن شهر قم در سال ۱۳۹۸ بودند که با ابزار مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته به شرح و دیدگاه‌های خود راجع موانع و چالش‌های نقش آفرینی در سیاستگذاری عمومی پرداختند. حجم نمونه نیز مطابق چارچوب نمونه‌گیری کیفی (قاعده اشباع نظری) بود و محقق تا جایی که اطمینان حاصل نمود که مصاحبه‌های دیگر چیز جدیدی به مفاهیم نمی‌افزایند ادامه داد. برای اعتبار یافته‌ها نیز در درجه نخست محقق با رفت و برگشت‌های متعدد و با وسواس متن‌ها و یادداشت را بازبینی نموده، مضامین اصلی و مفاهیم مجدداً تطبیق داده شدند و همچنین نتایج در اختیار برخی از اساتید و پژوهشگران مجرب کیفی (اساتید مرد شامل ۴ نفر دو نفر رئیس و معاون دانشگاه، یک نفر معاونت سیاسی و یک نفر استاد جامعه‌شناس) داده شد تا ضمن مطالعه دقیق به نقد آنها نیز پردازند. علاوه بر این اقدامات، از برخی مشارکت‌کنندگان که مایل بودند خواسته شد در مورد نتایج احصاء شده، نظر داده و به بیان دیدگاه‌های خود در مورد آنها پردازند. از منظر بیرونی‌ها (اساتید زن شامل ۳ نفر یک استاد مطالعات زنان، یک زن معاون یک اداره و یک نفر مدیر مدرسه) نیز تمامی یافته‌ها و نحوه استخراج در اختیار آنان قرار گرفت تا به واریسی، نقد و بیان نظرات خود پردازند. این مرحله به تعدیل برخی طبقات و بار معنایی آنان منجر شد. شیوه اجرای مصاحبه‌ها نیز این گونه بود که ابتدا با رجوع به برخی ادارات مهم شهرستان آمار و اطلاعاتی از زنان دارای مناصب سیاسی در سطوح خرد (مدیران مدارس) میانی (شورای شهر و ادارات) و کلان‌تر (معاونت‌ها و

4 - Lived Experience

5 - Colaizzi

مدیران ارشد دستگاه‌های سیاسی و اداری و قضایی) در حوزه‌های مختلف کسب شد (مطابق جدول ۱) و آنگاه با هماهنگی‌های پیشین با مشارکت شونده و جلب نظر ایشان جهت مصاحبه مبادرت شد. در ابتدا برای هر مشارکت شونده هدف اصلی تحقیق شرح و ضمن جلب رضایت وی برای ضبط مصاحبه‌ها اقدام می‌شد. سوالات کلی در مورد وضعیت شغلی پرسیده می‌شد به تدریج محقق با درک دیدگاه‌های مشارکت کنندگان، سوالات جزئی‌تر و مرتبط‌تر با موضوع اصلی پرسیده می‌شد و به خصوص تجارب شغلی آنان از محیط کاری را جویا می‌شد. به طور کلی، سعی بر این بود فضای مصاحبه به خاطر همسانی جنسی (مصاحبه شونده و مصاحبه کننده زن) صمیمانه باشد. زمان مصاحبه بسته به شرح دیدگاه‌ها و زمان مصاحبه شونده به طور تقریبی ۵۰ دقیقه بود. بعد از هر مصاحبه، تمامی نکات و یادداشت‌ها پیاده سازی و تحلیل می‌شدند. کدبندی در سه سطح انجام شد؛ در سطح اول تمامی جملات، عبارات و حتی کلمات مرتبط شناسایی شدند که در نهایت ۷۸ مفهوم اولیه حاصل شد در سطح دوم تمامی مفاهیم از نظر بار معنایی و همسانی، تقلیل و تعدیل شدند که ۴۴ مفهوم که انتزاعی‌تر بودند باقی ماندند. در سطح سوم مفاهیم در ۱۲ مضمون طبقه‌بندی شدند (مطابق جدول ۲).

جدول ۱ - برخی از مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش

نام (مستعار)	سن	شغل	سنوآت / سطح تحصیلات
م. ک (۱)	۳۹	مدیر مدرسه	۱۷ / ارشد
م. ک (۲)	۴۱	معاون یک اداره	۲۰ / لیسانس
م. ک (۳)	۲۹	دبیر	۸ / دانشجوی ارشد
م. ک (۴)	۴۴	معاونت اداره کل	۲۲ / لیسانس
م. ک (۵)	۴۳	مدیر مدرسه	۲۰ / ارشد
م. ک (۶)	۳۷	کارمند اداری	۱۸ / لیسانس
م. ک (۷)	۳۷	کارمند اداری	۱۷ / لیسانس
م. ک (۸)	۴۰	کارمند اداری	۲۱ / ارشد
م. ک (۹)	۴۸	پست مدیریت	۲۳ / دکتری
م. ک (۱۰)	۴۴	کارشناس حقوقی / اداری	۲۱ / ارشد
م. ک (۱۱)	۴۵	کارمند اداری	۲۷ / کاردانی
م. ک (۱۲)	۳۰	دبیر	۱۲ / ارشد
م. ک (۳۱)	۳۳	مدرس دانشگاه	۸ / دکتری
م. ک (۴۱)	۴۰	معاونت یک اداره	۲۱ / لیسانس

۶ - قابل ذکر است به دلایل گوناگون معمولاً مصاحبه کنندگان و به طور خاص زنان دارای مناصب سیاسی و اداری مایل به ضبط مصاحبه‌های خود نیستند؛ لذا هر جا این میل دیده نشد و یا به طور شفاف بر عدم ضبط متن مصاحبه‌ها از سوی مصاحبه کننده تاکید می‌شد این کار در چارچوب اخلاق تحقیق انجام نمی‌شد.

م. ک (۱۵)	۴۱	معاونت یک اداره	۱۹/ دانشجوی دکتری
م. ک (۱۶)	۳۶	کارمند دادگستری	۱۰/ لیسانس
م. ک (۱۷)	۳۶	وکیل	۱۳/ لیسانس
م. ک (۱۸)	۳۵	دبیر	۱۲/ کاردانی
م. ک (۱۹)	۴۴	مدرس دانشگاه	۱۸/ دکتری
م. ک (۲۰)	۳۹	وکیل	۱۷/ ارشد
م. ک (۲۱)	۳۶	کارمند دانشگاه	۷/ ارشد
م. ک (۲۲)	۳۳	کارمند اداره کل	۷/ لیسانس
م. ک (۲۳)	۳۲	مدرس دانشگاه	۸/ دکتری
م. ک (۲۴)	۳۱	کارمند اداره کل	۱۱/ لیسانس
م. ک (۲۵)	۴۷	وکیل	۱۴/ ارشد
م. ک (۲۶)	۴۲	وکیل	۱۶/ لیسانس
م. ک (۲۶)	۴۱	بازاریاب	۲۲/ لیسانس
م. ک (۲۸)	۳۸	کارآفرین	۱۱/ دکتری
م. ک (۲۹)	۴۷	مدرس دانشگاه	۱۵/ دکتری
م. ک (۳۰)	۳۳	کارآفرین	۸/ دانشجوی ارشد
م. ک (۳۱)	۳۵	کارمند اداری	۹/ لیسانس
م. ک (۳۲)	۴۱	مربی ورزشی	۲۲/ دکتری
م. ک (۳۳)	۴۸	کارمند اداره کل	۲۸/ لیسانس

جدول ۲ - مراحل کدبندی جملات، مفاهیم و کدبندی محوری حاصل از استخراج مصاحبه‌ها

کدبندی محوری	مفاهیم	جمله/عبارت
کلشه‌های جنسیتی	انعطاف پذیری زنان	زن ماهیتش جوری هست نسبت به مرداها انعطاف داره خشک نیست
	ناتوان انگاری	مردا و کلا جامعه زن‌ها رو ضعیف و کم قوت تصور می‌کنن
	احساساتی بودن	(ما زنا) به لحاظ ساختار ژنتیکی شکننده هستیم (قلب) زود احساساتی میشم
	پیکار زنانه	بیشتر مردم فکر می‌کنن زن جوری هست در صحنه‌ها کم مباره و تسلیم میشه
	سرکوب منش مدیرانه	به عنوان یک مدیر همیشه به جای نگاه به مدیریت خوب و کارام بیشتر تعریف از نظم و انضباط خونه و خانواده میدن ازم
	منحصر فردی حس مادرانه	فقط نگاه ویژه به مادر بودن و جایگاش دارن یا بهتر بگم زن رو فقط مادر مهربون و خوب می‌بینند همین...
	تقلیل گرایی	مردا همیشه سعی می‌کنن خیلی از چیزای زنان رو کم کنن مثلاً بگن تو فقط توی ی چیز خوبی همین بقیه معمولی هستی

قرائت مردانگی از زنان	تک بعدی	خیلی وقتا توی محیط کار مردا میگن شما زنان فقط توی احساسات خوبید نه عقلانیت
	حاشیه ساز	به نظر مردا زن جورى هست همش حاشیه درست میکنه همین باعث میشه نذارن ما مدیرهای ارشد و مافوقی بشیم
	تابع پذیری	مرداها غالبا دوس دارن زن فقط بگه چشم تابع همه جوهره باشی براشون دیگه چه انتظاری هست زن بشه وزیر بعد ازش فرمانبری کنن
چالش‌های مدنی/ حقوقی	ضعف قوانین استخدامی	تجربه من میگه ما توی حقوق زنا همیشه مشکل داریم و حل نمی‌کنیم چرا جورى وانمود می‌کنند زنا می‌تونن همه جا برن ولی در عمل حمایتی همیشه ضعف اصلی در همه استخدام‌ها داریم
	عرف‌گزینی	جامعه ما آمادگی این نداره یک زن رو مدیر ارشد ببینه انگار همیشه و زشته فقط در نقش مادر معمولی میبینن
	فقدان حمایت رسمی	ما باید در قانون اساسی بیاریم حتما ۲۰ درصد زنا مجلس باشن و یا بر اساس قانون باید چند وزیر زن توی کابینه باشن، معلومه پس حمایت قانونی نداریم
	قرائت در عمل	اینکه مدام بگی زنا حق دارن و... همیشه گلستان دولت‌ها در عمل نیستند الان ما یک نفر وزیر زن نداریم قحطی زن مستحق نیست فقط در عمل دولت قوی نیس
	فرهنگ دیرینه و مصادیق آن	اگر مطالعات تاریخی و ادبیاتی داشته باشی شاعران، حکما و فیلسوفان و.. از زن به خوبی یاد کردن و مقام رثوف و مهربانی هزار صفت دیگه گفتن ولی هرچی نگاه میکنی در مورد مدیریت و اشتغال زنان فراتر از مردان هیچی نیست کلا از مدح زنانگی گفتند و در مورد صفات شغلی و حقوقی زن خبری نیست
مشاغل با برد محدود	مشاغل معیشتی	جامعه جورى ذهنیت کرده فقط زنا شغلی در حد نونی دربیارن همین حد جورى فکر می‌کنن همیشه شغل‌های تاثیرگذاری در جامعه داشته باشن
	مشاغل هم‌جنسی	اصولا دید مردها جامعه و کلا سیاسیون اینه زن‌ها بهترین کس واسه معلمین با دخترا سروکار دارن خیلی هم خوب شاید خیلی شنیده باشی همه جا میگن بهترین شغل برای زن معلمی هست.
ذائقه مردانه	زن ایده آل	واسه همسر زن مورد علاقه اینه همش خونه باشی، جورى که دوس داره بپوشی، و هرجا خواست همراهیش بکنی و خلاصه طبق میلش رفتار بکنی

	زن دسترس پذیر	مردا جوری هستند دوس نداشتن زنهار از نظر کاری دور از محل خونه باشن
	فرو شغلی	من ی بار فرصتی فراهم شدی منصب سیاسی بالا در استان کشور بم بدن ولی ب مقاومت شوهرم و حتی نزدیکام روبرو شدم استنباطم این بود شوهرم دوس نداشت من قدرت سیاسیم بالاتره از او بره و ی بهانه دیگه می آورد
	خدمتکار خانگی	مردان دوس دارن زن علاوه بر شغل کاریش و حتی قبل اون توی خونه همه کارهای خونه از نان گرفتن تا هزار کار دیگه فقط با خانم باشه
	ظن باطل	من شوهرم خیلی حساسه با مردای زیادی رابطه اجتماعی داشته باشم الان بنا بر شغلم بد نیستم ولی اون میگه واسه ارتقا حق ندارم چون باعث میشه خیلی مشکلات پیش بیاد دیگران جوری نگاه کنن خلاصه سو ظن دیگه که من با این قضیه موافق نیستم
خشونت نمادین	گزینه‌گری	بیشتر اوقات برنامه‌های رسانه‌ها جوری هستند که به جای اونکه زن رو تشویق کنند سرکوب می‌کنن جوری دیگه بگم همین بین به جای اینکه مثلا توانمندی‌های زنان در اداره سیاسی و مدیریتی بگن، سعی می‌کنند این‌ها رو پنهان کنن و مردها رو قهرمان سیاست نشون بدن
	حواشی پردازی	ی بار برنامه ای بود اتفاقا زنی که مهمان برنامه بود شغل بالایی در کشور داشت مجری به جای اینکه بگه چطور شد مدیری در رده بالای کشور شدی... سعی می کرد همش از کارهایش توی خونه بپرسه خب همسرت ازت راضیه دست پخت چطور به هات چکاره شدن و ... همین دیگه
	القای کم خود بینی	برنامه های رسانه ای علیه زنان صورت پنهانی دارن به زن القا میکنه خودت در مدیریت بالا نیین مال تو نیست
	سوپرستار هنری و سینمایی	رسانه‌ها کلا دیدی سیاسی و اجتماعی به مدیریت زنان نداشتن بیشتر زنان رو قهرمان فرهنگی و اون هم توی سینما فقط می‌دونن و در عرصه سیاسی و مقام عالی رتبه میلی نیست نشون بدن
چالش‌های حین و پسا منصبی	تهدید و ارباب	به خاطر حساسیت پستی که قبلا داشتم بعضی موقع ها حالاتی که میشه گفت ترس و تهدید بود واسه خونوادم احساس میشد.
	فشار انتظارات	افراد فامیل یا دوستان زن خیلی انتظار دارن کارهایشون ی جوری حل بشه شخصی.

نحوه مشارکت	مشارکت سطحی	جامعه واسه جلب رای زنان حداکثر تلاش میکنه که همه به خصوص زنان در انتخابات شرکت کنن و در همین سطح دیگه
	مشارکت مخاطب محور	تقریباً همیشه گفت حرف زنان شنیده میشه فقط در پای صندوق‌های رای نه شونه حرف مردم... منظورم باید مردها گاهی اوقات بشن شنونده و زنان سیاسی بشن گوینده و حرفاشون بشنون(حرفای زنان)
ناکارآمدی مضاعف سیاسی	اثر مردان	خود مردان سیاست میگیرن مردها هم توی سیاست اون اثر ندارن شما نمایندگان رو ببینید چه تاثیری دارن چه برسه به زنا
	اثر زنان	توی سیاست زنان کلاً جایگاهی ندارن توی اجتماع کم رنگ هستند توی فرهنگ حاشیه جمع اثر زنان بی رنگه
	فقدان لابی‌گری	عالم سیاست همش لابی‌گری هست وقتی زنانی منصب دار نیستند بشن لابی زنا همیشه انتظار عجیب داشت
تله فقر نهادی	فقر اقتصادی	الان حوزه مالی در همه چیز اثرگذار و حرف اولی هس زنی بخواد جایی برسه باید داشته باشه و خرج کنه
	فقر اجتماعی	من ی بار واسه مجلس و دوبار واسه شورای شهر کاندید شدم از اینکه زنا شور و شوق برای من نداشتند متاسف بودم چرا که من از جامعه زنان انتظار داشتم دفاع کنند و من بتونم نماینده بشم این فقری جمعی حوزه زنا و اجتماع زنها هست که حتی از خودمون دفاع نمی کنیم اونوقت انتظار پیشرفت داریم
	فقر فرهنگی	جامعه ما تحمل و دیگری باوری رو آموزش نداده ما باور نداریم جنس زن بودن میتونه فخر و مباهات داشته باشه حتی به عنوان رئیس جمهور... به نظرم این نوع نگاه سمی هست که اجازه نمیده زنا خود شکوفا بشن
	فقر زنانه	ما زنا خود ی مشکل نهادی داریم باور به داشته‌های خود نداریم ولی به نداری‌های خود باور داریم فقری دوگانه هست ی اعتماد به نفس روانی نداریم من دوبار نمایندگی ثبت نام کردم آخرش همین نوع فقر اجازه نداد تا آخر مبارزه بمونم
مختصات روان شناختی	مصلحت سیاسی	به عنوان ی استاد دانشگاه سالها درس خوندم و تدریس می کنم و تجارب پستی هم دارم ی چیز تجربه کردم عالم سیاست گاهی باید دروغ شفاف زد ی جایی راست رو تغییر داد ی جایی هم باید دروغ نگفت ولی راست هم نگفت... خب زنها از نظر روانی نمی تونند اینچور باشن

	شخصیت صدیق	به طور کل زنها نسبت به مردها از درون و ظاهری یکسان تر برخوردار هستند میتونم بگم زنها صداقت بیشتر دارن چیزی که توی سیاست زیاد کاربرد نداره
	خلق و خوی زنانگی	طب زن جواری هس بیشتر دوس داره توی امور ظریف و هنری باشن بی دلیل نیست بهترین بازیگران کشور الان زن هستن میتونم بگم توی امور هنری و فرهنگی میل زنها واسه پیشرفت بیشتر هس
	توانش سیاسی	زن مثل مرد نیست ی توان محدود داره ازش نباید انتظاره بره توان جسمانی و قدرت فیزیکی مثل مردها داشته باشه سیاست توان زیادی میخواد
فقر نظری و تجربی	فقر نظریه‌پردازی	به عنوان استاد، معتقدم ما متون و موادی در مورد زنان و توسعه جامعه داخل کشورمان تئوریزه نکردیم سند مختص زنان نداریم
	فقر تجربی	مطالعات تجربی که نشون بدن زنان بد مدیر هستند یا پیشینه خوب ندارن نداریم
	بهره‌وری زنان	به نظرم زنان می‌توانند نسبت به مردا در توسعه، بهره وری بیشتر داشته باشن توی بخش سلامت، آموزش، حتی قضاوت و سیاست زنا از مردا می‌تونند دلسوزانه کار کنند و از ضرر و آسیب‌های بی رویه کم کنن

یافته‌ها

کلیشه‌های جنسیتی

اگرچه در گذشته مجموعه نگاه‌های جنسیتی به زنان در جوامع مختلف وجود داشته است اما بر حسب باورها، عقاید و کلا فرهنگ تصورات کلیشه‌ای نسبت به زنان در ابعاد مختلف وجود دارد. کلیشه‌های جنسیتی ناظر بر مجموعه باورها و اعتقادات مردان نسبت به زنان با موضع منفی و پستی است. در اظهارات متعددی مصاحبه شونده‌گان به ابعاد مختلف کلیشه‌های جنسیتی اشاره داشتند. روایات زیر مؤید آن هستند: «مردها زنان رو موجودانی ضعیف تصور می‌کنند که حتی توان مراقبت از خودش نداره چه برسه سیاستگذار کلان بشن (بعد ناتوان‌انگاری) (م.ک. ۱۱). تقریباً زن رو فقط در مقام یک مادر دلسوز به تصویر می‌کشن جواری که توی زمینه‌های دیگه همپای مردان نیست و نمیتونه یک مدیر قدرتمند باشه (بعد سرکوب منش مدیرانه و بعد منحصر بودن حس مادرانه) (م.ک. ۲۵)، جامعه طوری به زن نگاه می‌کنه عموماً در میدان عملی و صحنه کم میاره و رو به ضعف میره (بعد بیکار زنانه) (م.ک. ۱۲) و واسه

سیاستگذاری در ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی بیشتر اوقات خشکی نیاز هستی جوری که نرم و تابع پذیر نباشی، به کسی انعطاف ندی و ... خب توی سیاست، مردها کمی خشک تر هستند همین باعث شده زنان توی امور سیاسی و سیاستگذاری کم بیارن و نتونن ی مقام و منصب بالایی داشته باشن (بعد انعطاف پذیری) (م.ک. ۲۹)

قرائت مردانگی از زنان

قرائت مردان از زنان گفتمانی است که بیشتر حول صفات منفی و کم ارزش زنان استوار است. این مضمون متشکل از «تقلیل گرایی»، «تک بعدی بودن»، «حاشیه ساز» و «تابع پذیری» زنان است. مصاحبه شونده‌گان به اشکال مختلف بر این دیدگاه اشاره نمودند. برای نمونه: «من با اینکه توی دوره پست مدیریتم چندبار مدیر نمونه شهرستان و حتی استان شدم و می تونم بگم رابطه اجتماعی خوبی با زیردستان و همکارانم داشتم و خیلی چیزهای دیگه... ولی همسرم و حتی نزدیکای دیگرم سعی می کنند همه چیز رو به وظایف خانگی تقلیل بدن یعنی این(صفات مدیریتم) را نادیده بگیرن و بگن تو در نقش خانه داری خیلی منظم و خوبی (بعد تقلیل گرایی). (م.ک. ۴۱). از نظر مردها زن‌ها موجوداتی هستند اهل حاشیه و حاشیه ساز، خب همین نگاه باعث میشه باور به مدیریت زنان تحت شعاع قرار بگیره انگار مردها حاشیه ندارن (بعد حاشیه ساز). (م.ک. ۱). طب مردها جوری هست که دوس دارن زن فقط زیر نظر اون باشه و کلا مثل یک موجود فاقد اختیار همه چیز رو بگی چشم. ی وقتی شرایطی پیش اومد معاون ی اداره خوب بشم؛ ولی به خاطر اینکه شوهرم قبول نکرد مجبور شدم ازش بگذرم در واقع شوهرم گفت هرچی من میگم تمام... حرفی نابجا بود (بعد تابع پذیری) (م.ک. ۳۱)».

چالش‌های مدنی - حقوقی

مضمون چالش‌های مدنی - حقوقی ناظر بر موانع قانونی و عرفی گذشته و تا حال در جامعه است که به اشکال مختلف آشکار و پنهان مانع جدی حضور زنان در عرصه‌های سیاستگذاری کلان کشور شده‌اند. به استناد روایات مصاحبه شونده‌گان این مقوله بسیار جدی و ساختاری است به طوری که ریشه و رد این ساختار را می‌توان در سوابق تاریخی نیز رصد نمود. برخی از این دلالت‌ها عبارتند از: «اینکه توی جامعه در صورت، زنا رو تحسین انگیز بدونی ولی در عمل اینگونه نباشه فقط در حد نماد، مدیریت زنا رو تقلیل دادی (بعد قرائت در عمل) (م.ک. ۲۲). ادبیات و اشعار فلاسفه و شاعران پر از مدح زنا هست ولی شما پیدا نمی کنی جمله و یا بیتتی که زن را برتر از مرد در عرصه تصمیم گیری نشون بده (بعد فرهنگ دیرینه) (م.ک. ۲۹). شما در

مقام عمل در قوانین مدنی و حقوقی کشور پیدا نمی‌کنی که گفته باشه توی سیاست و تصمیمات مهم کشور زنان با ی عدد/ رقم حضور داشته باشن. توی استخدام ها و ... همین شکله چون سهمی مشخص برای زنا تعیین نشده یا مثلا اگر ما داشتیم توی قانون از کابینه دولت‌ها الزما باید چند نفر زن باشن آیا شریط متفاوت نبود؟ (بعد ضعف قوانین استخدامی) (م.ک. ۱۰)».

مشاغل با برد محدود

مراد از این مضمون استدلال‌ها و دلالت‌های مفهومی مصاحبه شونده‌گان در ذیل مانع تراشی برای تصاحب مناصب سیاسی فراتر از شغل‌های معمولی است. در مایه این مضمون دو مقوله خرد «مشاغل معیشتی» و «مشاغل هم جنسی» قرار دارند. هر دوی این مؤلفه‌ها بر این امر تأکید دارند که زنان اگرچه قابلیت‌هایی در حوزه کار دارند اما مشاغلی که به کسب درآمد اقتصادی (نان) آنان منجر شود و یا مشاغلی که با ارباب و رجوع از جنس خود زنان (برای مثال معلمی) سروکار داشته باشند کفایت می‌کند. بسیاری از مصاحبه شونده‌گان در روایات خود بر همین نکات تأکید داشتند برای نمونه: «من یادم هس رتبه کنکور عالی آوردم اون موقع والدینم می گفتند دخترم، شما دبیری بزنی و رشته حقوق و وکیل برای تو خوب نیستند نونی در بیاری برای خودت کافیه (بعد معیشتی) (م.ک. ۱۵). یا مشارکت کننده دیگری اظهار داشت: آزمون استخدامی شرکت کردم هم دبیری قبول شدم قبلش هم دفتر وکالت، ولی شوهرم اصرار داشت دبیری رو برو با دخترا سروکار داری و مشکلی پیش روت نیست (بعد مشاغل هم جنسی) (م.ک. ۱۸)».

ذائقه مردانه

مضمون ذائقه مردان ناظر بر ابعاد زن ایده‌آل، زن دسترس پذیر، فرو شغلی، خدمتکار خانگی و ظن باطل است که می‌توان وجه مشترک آنها را نوعی دید منفی و محدود به توانمندی‌های زنان دانست. در روایات متعددی این دست نگرش‌ها از سوی مشارکت کنندگان مورد تأکید بودند. مشارکت کننده‌ای معتقد بود: مهم وجه کاری و شغلی من نیست اینکه سریع برسم خونه و کارهای خونه و او [شوهرم] رو در اولویت مطلق بذارم مهمه، ی جوروی چشم و تابع نوازی‌های پیوسته از او داشته باشم و طبق میلش باشم (بعد زن ایده‌آل) (م.ک. ۲۹). مشارکت کننده دیگری اظهار کرد: «شوهرم واقعا حس بدبینی داره خیلی وقتا می پرسه از اداره چه خبر کی اومد کی رفت چی شد کی چی گفت و هزار پرس و جوی محاکمه‌آمیز دیگه در واقع اون نگاه خوب به محیط کاری نداره (بعد ظن باطل) (م.ک. ۲۴). یا مشارکت کننده دیگری از نوعی احساس حسادت مرد خود در ارتقای کاریش چنین گفت: فرصتی پیش اومد من بشم معاون ی اداره کل، ولی

شوهرم مخالف. دلیلش این بود دوس نداشت من پست بالاتری از او داشته باشم (بعد فرو شغلی) (م.ک.۲۳)».

خشونت نمادین

پیر بورديو خشونت نمادین رو رفتاری می‌داند که از طریق نظام‌های آموزشی به مدد رسانه‌ها انجام می‌شوند. خشونت نمادین ناظر بر چهار بعد گزینش‌گری، حواشی‌پردازی، القای کم خود بینی و سوپرستار هنری- سینمایی است که در وجه تشابه مفهومی، نوعی طرد زنان استنباط می‌شود. در همین راستا اظهارات زیر قابل تأمل‌اند: کلا برنامه‌های رسانه‌ها به سمتی هست بیشتر حاشیه نشون میده تا متن زنان (بعد حاشیه سازی) (م.ک.۲۶)، اگر دقت کنید در چند سال اخیر من خودم شخصا ندیدم یک خانم رده بالایی توی برنامه ملی بیاد اگر هم آمدند یا بازیگران معروف سینما بودند یا در حوزه های سطح فرهنگی و ورزشی با درجه چندمی (بعد سوپرستار) (م.ک.۱۸).

چالش‌های حین و پسا منصبی

این مقوله بر مشکلات و چالش‌هایی نظیر ترس و تهدید تا احساس ترس دلالت دارد. در برخی مصاحبه‌ها مشارکت کنندگان معتقد بودند در حوزه کلان زن‌ها با چنین مشکلاتی مواجهه می‌شوند. مشارکت کنندگان به ظرافت معتقد بود ببینید زن و مرد بودن دو چهره دارن اونا بر زن‌ها مسلط هستند کافیه بخوان شما رو تهدید کنن شما ممکنه به خاطر مسائلی علنی نکنی... (بعد ترس و ارباب). از دیگر مولفه‌های این مضمون فشار انتظارات است که بر نوعی انتظارات نامعقول از سوی ارباب و رجوع اشاره دارد. اظهار زیر به خوبی همین نظر را تقویت می‌کند: تجربه خودم میگم وقتی پستی داشتم خیلی از خانم‌ها انتظارات ناجور و نشدنی داشتند چه آشنا، رفیق یا شهروند... خب یک زن با این همه فشار و انتظار نامعقول چکار کنه؟... (بعد فشار انتظارات) (م.ک.۲).

نحوه مشارکت

دو مؤلفه اصلی مضمون حاضر مشارکت سطحی و مشارکت مخاطب محور بودند. در روایات زیادی اکثریت مصاحبه کنندگان معتقد بودند در شعار بر حضور حداکثری زنان و در مقام عمل شاهد حضور حداقلی در تصمیم‌گیری‌ها را درک کرده‌اند. در نزد مصاحبه کنندگان مشارکت به سطح مشارکت نمایشی فرو کاسته و در عمل در تصمیمات مهم سهمی ندارند و جای‌گزینه

و مخاطب یکسان بوده است. به عبارتی مردان، مخاطب زنان بشن و این یعنی قدرت زنان. روایت ذیل بر همین نکته شاره دارد: تقریباً همیشه گفت حرف زنان شنیده میشه فقط در پای صندوق‌های رای منظورم باید مردها گاهی اوقات بشن شنونده و زنان سیاسی بشن گوینده و حرفشون مردا بشنون(حرفای زنان)(م.ک.۱۶).

ناکارآمدی مضاعف سیاسی

مضمون فوق بر این دلالت می‌کند که سیاست فراز و فرود داره و در این عرصه مردها بهتر از زنها عمل می‌کنند. به عبارتی دیگر سیاست مستلزم برخی عناصر است حتی گاهی اوقات ممکن است از عهده مردان بر نیاید چه برسد به زنها. برخی از استدلال‌ها زیر نمایان مضمون فوق هستند برای نمونه مشارکت کننده‌ای معتقد بود: «یکی از مؤلفه‌های مهم ورود به عالم سیاستگذاری داشته‌ام لابی‌گری هست لابی‌گری چیز پیچیده و دارای بده بستان هست، زنها توی این خوب نمی‌تونند یارگیری کنند و این به نظرم مانع جدی در جلوی زنها هستش(بعد لابی‌گری)(م.ک.۱۹). یا مشارکت کننده دیگری اظهار کرد: برخی مردها خودشون میگن ما توی سیاست بیشتر اوقات بازنده هستیم چه برسد به زنها... توی سیاست باید بتونی اثر بگذاری اگر اثر نگذاری روت اثر می‌گذارند(بعد اثر زنان)(م.ک.۳۳)».

تله فقر نهادی

مضمون تله فقر نهادی متشکل از چهار نوع فقر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فقر زنانه و مرتبط به هم است. این مضمون بیانگر این است که زنان در سیکلی قرار دارند که نسبت به مردان بیشتر در این ساختار قرار دارند. از این‌رو، در عالم سیاستگذاری فرد باید حداقل این فقرها را هر یک از عناصر فوق داشته باشد. جامعه به خاطر روحیه مردسالاری دیرینه امکان استقلال به زنان در هر یک از عناصر فوق را نداده یا لاقلاً نسبت به مردان بسیار پایین تر هستند. بنابراین می‌توان از دلایل حضور کم رنگ در عرصه سیاستگذاری را به این نوع ساختار فقر گونه نسبت داد. در اظهارات مشارکت کنندگان زیر می‌توان این ادعاها را استنباط کرد: «مشارکت کننده‌ای به طور آشکار اظهار داشت ببینید جامعه ما همه قبول داریم مردسالاری بوده و هست یعنی که مرد در کانون همه چیز هست و با اون چیزهای دیگه تعریف می‌شوند خوب، در چنین شرایطی امکان رشد مستقل زن واسه اقتصادی و سیاسی نمی‌تواند جدا از مردسالاری رشد بکنه(بعد فقر اقتصادی)(م.ک.۲۵). مشارکت کننده دیگری به طور ضمنی اشاره داشت: روحیه فرهنگی در جامعه مردسالاری هست در چنین روحیه‌ای، زن حاکم جایگاهی نداره(م.ک.۳۰).

به طور کل اظهارات فراوانی از این دست در روایات مشارکت کنندگان به انحای مختلف بیان شدند.»

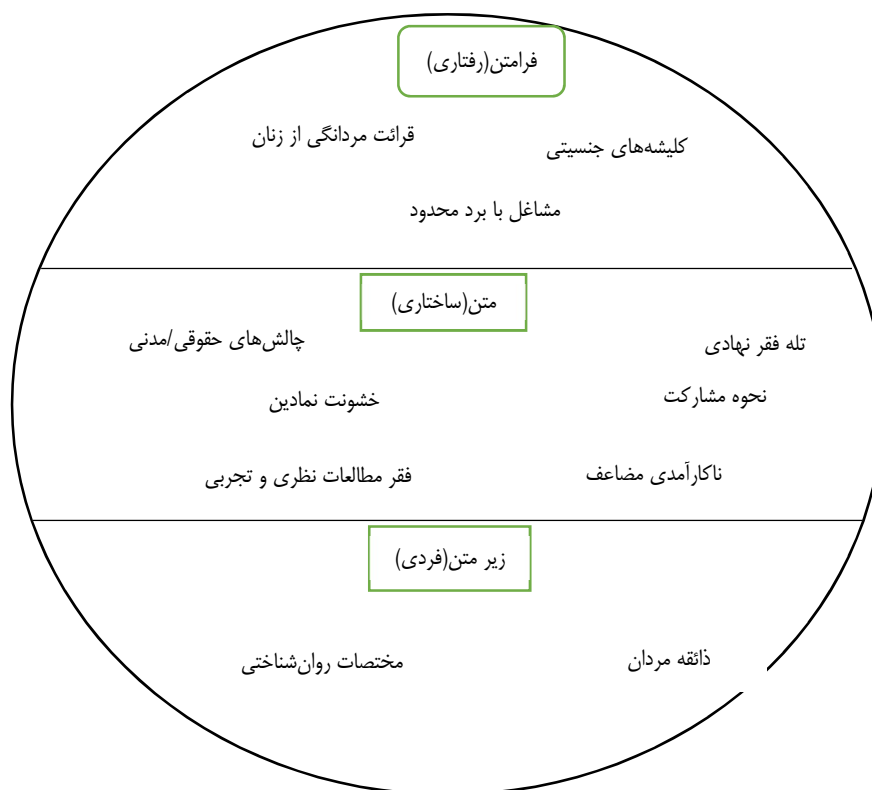
مختصات روان شناختی

یکی دیگر از یافته های مهم پژوهش حاضر مضمون مختصات روان شناختی بود که خود حاصل مولفه های مصلحت سیاسی، شخصیت صدیق، خلق و خوی زنانگی و توانش سیاسی است. به طور کل، این مضمون حاکی از برخی احوالات درونی و شخصیتی زن است که در برخی اوقات در عرصه سیاسی و قدرت کاربرد ندارد یا با آن هماهنگ نیست. در اظهارات زیر مشارکت کنندگان به ابعاد مختلف آن به طور مستقیم و ضمنی اشاره داشتند برای مثال: به عنوان استاد دانشگاه و داشتن برخی پست ها، تجربیم این میگه؛ توی سیاست های کلان گاهی باید راست نگفت - گاهی هم دروغ نگفت و کلا بعضی وقتا هم باید سکوت کرد (بعد مصلحت سیاسی) (م.ک. ۱۹). شخصا نظرم این هست زن نسبت به مرد از درونی برخوردار هست که بیشتر راست گو و صداقت دارد. این خصلت در امور سیاستگذاری خیلی با سیاست هماهنگ نیست (بعد شخصیت صدیق) (م.ک. ۱۶). یا مشارکت کننده دیگری علت موفقیت زنا در امور هنری و سینمایی را طبع ظریف و پرداختن به جزئیات با قدرت بیشتر نسبت به مردا دانست و از طرفی علت حضور کم زنها در امور سیاسی را نیز همین روحیه ظریف هنری دانست (بعد خلق و خوی زنانگی) (م.ک. ۹).

فقر مطالعات نظری و عملی

یافته قابل تأمل دیگر که در روایات متعددی از مشارکت کنندگان استنباط گردید مضمون «فقر مطالعات نظری و تجربی» بود. این مضمون حول سه مؤلفه فقر نظریه پردازی، فقر تجربی و بهره وری زنان است. این مضمون به این نکته اشاره دارد که در ایران جدا از دیدگاه های فمینیست ها، مطالعات مربوط به نظریه پردازی راجع زنان انسجام وجود ندارد و پراکنده هست و از طرفی داده های تجربی نیز که ناتوانی، ضعف، آسیب پذیری و... زنان را نسبت به مردان نشان دهند وجود ندارد. به طور خلاصه، مضمون فقر مطالعات به ماهیت فلسفی و جامعه شناختی زنان مربوط است که در برخی مشارکت کنندگان ابراز شد برای نمونه: «من در حوزه دانشگاه فعالیت دارم پژوهش هایی که ثابت کنند زنان مدیران ارشد بد هستند یا از مردان بدتر هستند وجود ندارد اصلا به این موضوع نپرداختیم (بعد فقر تجربی) (م.ک. ۳۱). به نظرم قبل از هر چیز باید در مورد زنان نظریه پردازی کنیم. ما یک الگوی فوق العاده به نام حضرت زینب داریم که بعد از ماجرای

کربلا به روشنگری و رسوایی یزد پرداخت و خیلی موارد دیگر. ولی هنوز در کشور مطالعات نظری یکدست مختص زنان نداریم و در سایه مردسالاری، مطالعات پست مانده (بعد فقر نظریه پردازی) (م.ک. ۲۰). یا مشارکت کننده دیگری معتقد بود من میگم زن مدیر ارشد در برخی زمینه های سیاستگذاری در حوزه سلامت بهتر هستند. وزیر باید زن باشه چون معتقدم وزیر زن به تمام ابعاد سلامت حساس هستند هم برای کل جامعه هم برای جامعه زنان... در کل کیفیت زنان از مردان بهتر هست (بعد بهره‌وری) (م.ک. ۱۰)». در ادامه تمام یافته‌ها در سه محور کلان فرامتن (رفتاری)، متن (ساختاری) و زیرمتن (فردی) در قالب مدل (۱) نشان داده شده‌اند. محور متن (ساختاری) به زمینه‌ها و علل و شرایط کلان اشاره دارد برای مثال قوانین حقوقی و قانونی راجع زنان- فرامتن (رفتاری) به نوعی از رفتارها و نگرش‌های مردان نسبت به زنان و توانایی آنها اشاره دارد و منظور از زیر متن (فردی) بیانگر نگرش و رفتارهای خود زنان نسبت به خود است.



مدل ۱ - مدل ابعاد و مؤلفه‌های موانع شرکت در سیاستگذاری عمومی از منظر زنان.

بحث

هدف اصلی پژوهش حاضر پرداختن به تجارب زیسته زنان از موانع و چالش‌های نقش آفرینی در سیاستگذاری‌های عمومی کشور بود. تحلیل یافته‌های کیفی با روش پدیدارشناختی به شناسایی ۱۲ مضمون محوری منجر شد که در ادامه به بررسی و تحلیل آنها پرداخته شده است. یکی از یافته‌های اصلی پژوهش حاضر کلیشه‌های جنسیتی بود. این یافته با نتایج برخی پژوهش‌ها مانند رفعت‌جاه (۱۳۹۷)؛ بابایی (۱۳۹۷)؛ کلی (۲۰۱۹) و آبرکومبیا (۲۰۱۸) همسو است. در تحلیل آن می‌توان گفت کلیشه‌های جنسیتی عمده‌تأثیر ریشه در عقاید و باورهای هر جامعه دارند. در جامعه مردسالار این کلیشه‌ها بیشتر وجود دارند و بیشتر در تحلیل توانایی‌های زنان عمل می‌کنند. اگرچه کلیشه‌ها نسبت به گذشته تعدیل یافته‌اند؛ اما این ساختار فکری در آینده همچنان ادامه خواهد داشت و یکی از دلایل ساختاری مهم عدم ارتقای زنان در مراتب منصبی کشور محسوب می‌شوند. مضمون اصلی دیگر، قرائت مردانگی از زنان بود. این یافته با نتایج ضمنی تحقیقاتی مانند محمدی (۱۳۹۶) که نتیجه گرفت ایرانی‌ها معتقدند نهایتاً جای زن در خانه است و بر این باورند که مدیریت امور را نمی‌توان به دست زن‌ها سپرد همسو است. در واقع محدود کردن زنان به خانه تقلیل‌گرایی و محدود کردن توانایی‌های زنان است. جامعه ایران عموماً مردسالار است و از این جهت، نقش‌های زنان به وسیله مردان تعریف می‌شوند و یکی از مؤلفه‌های اصلی مردسالاری، در دست داشتن ضمام امور توسط مردان است. به طور خلاصه می‌توان گفت مردان در جامعه مردسالاری ایران نقش زنان را تعریف می‌نمایند و زنی که تابع مردن و وابسته باشد به زن ایده‌آل نزدیک‌تر می‌شود. یافته اساسی دیگر چالش‌های مدنی-حقوقی بود. این یافته با نتایج پژوهش‌هایی مانند صداقت و زاهد (۱۳۹۴) و سازمان بین‌المللی کار (۲۰۱۹) تا حدی سازگار است. در تحلیل آن می‌توان به نبود قوانین مدنی مشخصی در مورد آن اشاره کرد. هنوز برای زنان از جهت حقوقی بسیاری از مشکلات و چالش‌ها وجود دارند. در هنجارهای اداری و حقوقی میزان سهم زنان دقیقاً مشخص نیست. بنابر آرا نظریه‌پردازان فمینیست می‌توان گفت زنان در عرصه‌هایی که حضور داشته‌اند، بخوبی از عهده وظایف محوله برآمده‌اند و لذا دلیلی وجود ندارد که به اشکال قانونی و غیر قانونی مانع از حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماع شد (ناجی‌راد، ۱۳۸۲: ۴۷). از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر مضمون ذائقه مردانه بود. این یافته تا حد زیادی با پژوهش‌هایی مانند محمدی (۱۳۹۶) و لائورا و سانچز (۲۰۱۷) سازگار است. نظریه پردازان کارکردی معتقد بودند زنان نقش خانگی خانه بر عهده دارند و واگذاری نقش‌های بیرون موجب اختلال نظام خانواده می‌شود (رضوی الهاشم، ۱۳۸۷). وانگهی در این رویکرد مردان نقش مسلط دارند به همین خاطر است که منش مردسالاری در بیرون خانه و درون خانه

به تسلط مردان بر زنان منجر شده است. یافته دیگر خشونت نمادین بود. این یافته با پژوهش کلی (۲۰۱۹) همخوان است. در تحلیل آن باید گفت رسانه‌ها تصویری از زن نشان می‌دهند که مبهم است؛ از طرفی زنان را قهرمان برخی امورات و در برخی امورات دیگر فاقد اثرگذاری هستند. در واقع رسانه‌ها به نوعی درصدد این هستند ناخواسته یا خواسته زنان را عمدتاً مادرانی قهرمان نشان دهند که سکان دار امور خانه و خانداری هستند. نظریه کارکردی نیز زنان را به امور خانوادگی محدود دانسته و بر این باور است که واگذاری نقش اقتصادی و سیاسی به زنان سبب تخریب کارکردهای کنونی جامعه می‌شود.

تله فقر نهادی، یافته دیگر بود. این یافته با نتایج ضمنی پژوهش‌هایی مانند الکانی (۲۰۱۹) و کاسا (۲۰۱۱) همسوست. در تحلیل آن باید گفت به طور سنتی همیشه زنان نسبت به مردان در ابعاد اقتصادی و مادی پایین‌تر بوده‌اند. زیرا در جوامع ای با روحیه مرد سالاری هنجارهای اقتصادی نیز توسط مردان شکل می‌دهند. همیشه از زنان تصور شاغلی بدون مزد بوده است. نظریه منابع نیز، امکانات مالی و توانمندی‌های زنان را نقطه مهم در مشارکت سیاسی دانسته و دستیابی به منابع مالی را باعث ناتوانی زنان و عدم رقابت با مردان در امورات سیاسی می‌داند (چابکی، ۱۳۸۱). یافته مهم دیگر مضمون مختصات روان‌شناختی بود. نتایج برخی تحقیقات مانند ساندر و (۲۰۱۷) سازگار است. در این باره باید گفت عقیده برخی بر این است که سیاست و مدیریت مستلزم توانش سیاسی بالا و قدرت جسمانی و روانی زیاد است. اما زنان به ماهیت خود در این صفت‌ها نسبت به مردان کمتر برخوردار هستند. ولی نظریه پردازان فمینیستی خلاف آن را متصور هستند. آنان معتقد هستند زنان در عرصه‌هایی که حضور داشته‌اند، بخوبی از عهده وظایف محوله برآمده‌اند و لذا دلیلی وجود ندارد که مانع از حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماع شد و آنان را به دلایل واهی از حضور در مدیریت‌های کلان و حوزه سیاستگذاری محروم ساخت. نحوه مشارکت یافته دیگر بود. در این باره باید اذعان کرد مردان همواره از زنان انتظار مشارکت داشته‌اند تا مشارکت کننده فعال. در واقع ساختار مشارکت سیاسی یک مانع جدی است که اجازه جابه‌جایی جنسیتی یا تعدیل آن را نمی‌دهد. نظریه بسیج نیز تأکید می‌کند نقش احزاب در مشارکت سیاسی بسیار مهم است و مشارکت را به عنوان تجلی ساختار سیاسی می‌داند نه حاصل ساختار فردی؛ لذا میزان و کیفیت مشارکت زنان به ساختار سیاسی بستگی دارد (چابکی، ۱۳۸۱). در مجموع نتایج پژوهش حاضر نشان داد زنان در عرصه سیاستگذاری با موانع و چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند که می‌توان به طور خلاصه با استناد به مضامین اصلی آنها را در سه محور کلان متن (موانع ساختاری نظیر چالش‌های مدنی / حقوقی، خشونت نمادین، نحوه مشارکت، فقر نظری و عملی و تله فقر نهادی)، زیر متن: فردی

(مختصات روان‌شناختی و ذائقه مردانه) و محور فرا متن: رفتاری (کلیشه‌های جنسیتی، مشاغل با برد محدود و قرائت مردانگی از زنان) متصور شد.

توصیه‌های سیاستی

- در راستای انجام پژوهش‌های آتی، پژوهش حاضر بنابر ماهیت کیفی خود با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود از جمله عدم امکان مطالعه با موارد و نمونه گسترده‌تر که این امر با روش کمی میسرتر است. لذا پیشنهاد می‌شود محققان آینده بر اساس نتایج کیفی حاضر، مطالعات تکمیلی با روش کمی انجام دهند.

- یافته‌ها بیانگر آن بودند که عملکرد رسانه‌ها از دیدگاه زنان به نوعی کم اهمیت جلوه دادن توانایی سیاسی زنان است لذا بر این اساس باید این دیدگاه در راستای برجسته‌سازی مقام و توانایی زنان در عرصه‌های مدیریتی از جمله دعوت از زنان دارای پست‌های مدیریتی کلان و ارائه نقش آنان در مدیریت کلان کشور تغییر پیدا کند.

- کتب درسی از جمله راهکارهای عملی زدودن کلیشه‌های جنسیتی علیه زنان است. بنابراین باید در ارائه توانایی سیاسی زنان و مردان در اداره کشور و نقش مهم زنان در تمام عرصه‌های جامعه پر رنگ نشان داده شود.

- بر اساس روایات متعددی از مصاحبه شوندگان، برای اهمیت توانایی زنان، رئیس جمهور باید در ترکیب کابینه خود از زن وزیر استفاده کند. بنابراین می‌توان در راستای حمایت از حقوق زنان، حضور زن وزیر در کابینه را الزامی کرد.

منابع

- ۱ - بابایی زکلیکی، محمدعلی. (۱۳۹۷). چالش‌های زنان برای ارتقاء به مشاغل مدیریتی در سازمان‌های دولتی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه مدیریت، ۱۰(۴۶)، ۸۱-۴۵.
- ۲ - بهلولی، حمید. (۱۳۹۷). ارتباط حوزه عمومی و کاهش فساد: نگاهی از منظر سیاستگذاری عمومی، ۴(۴)، ۲۵۰-۲۲۵.
- ۳ - بامداد، شیدا. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر میزان‌های اشتغال در ۲۵۲ شهرستان کشور، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مجموعه مقالات مباحث و مقالات همایش تدوین برنامه توسعه کشور، زاهدان، ایران.
- ۴ - تابناک. (۱۳۹۵). مجلس دهم رکورد تعداد نمایندگان مجلس را شکست، <https://www.tabnak.ir/fa/news/584958>
- ۵ - چابکی، ام‌البین. (۱۳۸۱). نقش عوامل روان‌شناختی در مشارکت سیاسی زنان، مجله علوم اجتماعی ۹(۱۹)، ۱۳۵-۱۰۷.
- ۶ - رضوی الهاشم، بهزاد. (۱۳۸۷). تحلیل جایگاه مشارکت زنان در فرآیند توسعه سیاسی - اجتماعی انقلاب اسلامی ایران، کتاب ماه علوم اجتماعی، ۲۱(۱۳)، ۶۰-۷۳.

- ۷ - رفعت جاه، مریم و قربانی، سمیه. (۱۳۹۷). تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء شغلی زنان، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۴(۶)، ۱۴۶-۱۱۷.
- ۸ - صداقت، سعید و زهرا زاهد(۱۳۹۴)، "نقش‌های جنسیتی در تصاویر کتاب‌های درسی دوره ابتدایی"، فرزانه: ویژه مطالعات و تحقیقات مسائل زنان، شماره ۵.
- ۹ - صابر، فیروزه. (۱۳۹۴). راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در ایران: راهکارهای توانا سازی زنان در راستای برابری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ایران، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۱۰ - علیزاده تبار و یوسفی. (۱۳۹۸). کارآفرینی زنان مشهد، همایش بین‌المللی کارآفرینان زن در مشهد.
- ۱۱ - فیضی، فاضل و هانیا، معتضد کیوانی. (۱۳۹۵). بررسی جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان در خاورمیانه (مطالعه مورد در ایران و عربستان طی دو دهه اخیر، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، باتومی - کشور گرجستان، مؤسسه سرآمد همایش کارین، <https://www.civilica.com/Paper>
- ۱۲ - گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن. (۱۳۸۹). جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، چاپ پنجم، انتشارات نی.
- ۱۳ - یوسفی. (۱۳۹۸). مشکلات از دیدگاه یک کارآفرین زن. فصلنامه مطالعات اجتماعی زنان، ۱۴(۵۵)، ۱۱۶-۱۱۹.
- ۱۴ - محمدی اصل، عباس. (۱۳۹۶). درآمدی بر جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان: جنسیت و مشارکت، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان. چاپ هفدهم.
- ۱۵ - محمدپور احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش، جلد ۱، تهران، جامعه‌شناسان.
- ۱۶ - معیدفر، سعید و نفیسه، حمیدی. (۱۳۹۸). زنان سرپرست خانوار: ناگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، ۱۳(۵)، ۲۹-۱۶.
- ۱۷ - نوروزی، لادن. (۱۳۹۷). تفاوت‌های جنسیتی در ساختار اشتغال، پژوهش زنان، ۲(۱)، ۷-۱۳.
- ۱۸ - نیکوکار، غلامحسین، فرهادی محلی، محمود، فرهادی محلی، علی و علیزاده تلخسـتانی، علی. (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی خشونت شوهران علیه زنان: آزمون تجربی دیدگاه نظری ترکیبی، فرهنگ تربیتی زنان و خانواده، ۷(۲۳)، ۷-۴۶.
- ۱۹ - ناجی‌راد، محمدعلی. (۱۳۸۲). موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی - اقتصادی ایران پس از انقلاب اسلامی. تهران: نشر کویر.
- ۲۰ - هادیان، ابراهیم و حیدر پور، علی. (۱۳۹۵). توسعه اقتصادی و سهم زنان در نیروی کار ایران. فصلنامه جمعیت، ۱۱(۲۷)-۲۸، ۲۰-۳۰.

- 21- Alkani, K. (2019). Holly Women Entrepreneurs moving beyond the ceiling Dorothy, P. Moore, SAGE publications.
- 22- Ahmad, A., Mahmood, Q. K., Saud, M., & Mas'udah, S. (2019). Women in Democracy: The political participation of women. *Masyarakat, Kebudayaan dan Politik*, 32(2), 114-122.
- 23- Brogatta, Edgar F. & Montgomery V. (2018) *Encyclopedia of sociology*, United states of America : Mac Millan Referece.
- 24- Anselm, Mercy (2019) *Exploring Women's Entrepreneurship: Th Issues Innovation, Constraints and Success: the Case of Visible Minority Women Entrepreneurs*, Canadian Woman Studies, VOL15, No1.
- 25- Abercombie, Nicholas. (2018) *The penguin Dictionary of Sociology* , United states of America : Penguin Books.
- 26- Chuma, L. (2019). *Encyclopedia of sociology*, United states of America : Mac Millan Referece.
- 27- Campbell, D. E., and Wolbrecht, C. (2006). See Jane run: women politicians as role models for adolescents. *J. Polit.* 68, 233-247.
- 28- Dugarova, E. (2019). gender equality as an accelerator for achieving the Sustainable Development Goals, discussion paper., pp.1-91. Download:
- 29- <https://www.undp.org/content/undp/en/home/librarypage/womens-empowerment/gender-equality-as-an-accelerator-for-achieving-the-sdgs.html>.

- 30- Domingo, P., R. Holmes, T. O'Neil, N. Jones, K. Bird, A. Larson, E. Presler-Marshall and C. Valters. 2015. Women's voice and leadership in decision-making: Assessing the evidence. Report. London: Overseas Development Institute.
- 31- Fischer, F. (2019). Politics, values, and public policy: The problem of methodology. Routledge.
- 32- Hallward-Driemeier, M., T. Hasan and A. Rusu. (2013) "Women's Legal Rights over 50 Years. What Is the Impact of Reform?" Policy Research Working Paper No. 6617. Washington, D.C.: World Bank.
- 33- International Labour Organization (2019) The entrepreneur's complete source Book, United states of America: Prentice Hall.
- 34- Ilesanmi, O. O. (2018). Women's Visibility in Decision Making Processes in Africa—Progress, Challenges, and Way Forward. *Frontiers in Sociology*, 3, 38.
- 35- Jones, M. (2005). "Legislator Gender and Legislator Policy Priorities in the Argentine Chamber of Deputies and the United States House of Representatives." *Policy Studies Journal* 25(4): 613–629.
- 36- Kassa, S. (2015). Challenges and opportunities of women political participation in Ethiopia. *Journal of Global economics*, 3(4), 1-7.
- 37- Kelly, L. (2019). Barriers and enablers for women's participation in governance in Nigeria.
- 38- Laura, S., Sanchez, A. (2017). Sexual Identity, Sex Roles & social change, United states of America : A Wiley Interscience Publication.
- 39- Mitra, A., J. Bang and A. Biswas. (2015). "Gender Equality and Economic Growth: Is it Equality of Opportunity or Equality of Outcomes?" *Feminist Economics* 21(1): 110–135.
- 40- McKinsey, O. (2018). *The penguin Dictionary of Sociology*, United states of America: Penguin Books
- 41- OECD.(2014). *Women, Government and Policy Making in OECD Countries – Fostering Diversity for Inclusive Growth*. Paris: OECD.
- 42- Peacock, R.M (2018), "Gender Inequality at Work in Industrial Countries", *Cambridge Studies in Social Research*, 11, pp.1-19.
- 43- Qutoshi, S. B. (2018). Phenomenology: A Philosophy and Method of Inquiry. *Journal of Education and Educational Development*, 5(1), 215-222.
- 44- Schwindt-Bayer, L.A. and W. Mishler. (2005). "An integrated model of women's representation." *The Journal of Politics* 67(2): 407–428.
- 45- Sandor John G.(2017) *Entrepreneurship*, United States of America : John Wiley & amp; sons.
- 46- Stevens, C. (2016). Gender and sustainable development: maximising the economic, social and environmental role of women. *Organization for Economic Co-operation and Development*. Accessible online at: <http://www.oecd.org/social/40881538.pdf>. Accessed, 2.
- 47- Tamaru, N. and M. O'Reilly. 2018. *How Women Influence Constitution Making After Conflict and Unrest*. Washington, D.C.: Inclusive Security.
- 48- UNDP *Accelerating Gender Equality and Women's Empowerment in Africa*.(2016). Africa Human Development Report. New York: Regional Bureau for Africa.
- 49- UN. (2018). *Report of the Secretary-General on conflict-related sexual violence*. Document S/2018/250. New York: United Nations.
- 50- Women's Environment and Development Organization (WEDO) (2008), *Gender and Governance Program*, www.wedo.org/programs.aspx?mode=gender.